



## طراحی مدل مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهرداری‌های استان اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

### مرتضی والی‌زاده

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه منابع انسانی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران  
mortezavaalizadeh@gmail.com (نویسنده مسئول)

### علیرضا شیروانی

دانشیار گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران  
baleandisheh@gmail.com

### ماشالله ولیخانی

استادیار گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران  
info@dehaghan.ac.ir

### چکیده

**مقدمه و هدف پژوهش:** شهرهای امروزی بعنوان یکی از عظیم‌ترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشر عصر حاضر مطرح هستند. نگرستن از نگاه عدالت محوری به مقوله مدیریت شهری از اصولی‌ترین ارکان حکمرانی شهری است. اگر عدالت اجتماعی را مجموعه‌ای از استراتژیها، تصمیم‌گیریها، قوانین، رفتارها، خدمات، اقدامات عمرانی و کمک‌های اجتماعی و توزیع فرصتها، توسط مدیریت شهری (با فرض برخورداری و دستیابی برابر شهروندان) بدانیم، ضرورت تحقق حکمرانی شهری عدالت محور مشخص می‌شود.

### هدف پژوهش طراحی الگوی مدیریت شهری مبتنی بر عدالت در شهرداریهای استان اصفهان

**روش پژوهش:** روش ترکیبی (کمی و کیفی) بر اساس رویکرد تئوری داده بنیاد انجام شده، ابتدا روش کیفی برای احصاء مؤلفه‌های مدل اولیه و روش کمی برای تعیین اعتبار سنجی مؤلفه‌های به دست آمده جهت بومی‌سازی و تخصصی‌سازی مدل به کارگرفته شده است.

**یافته‌ها:** در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۱۷۹ مفهوم اولیه، استخراج گردید. در مرحله کدگذاری محوری ۳۲ مقوله فرعی و نهایتاً در مرحله کدگذاری انتخابی با ۵ مقوله اصلی، دسته بندی انجام شد. داده های به دست آمده با استفاده مدل معادلات ساختاری و نرم افزار اسمارت پی. ال. اس نسخه ۲ تجزیه و تحلیل گردید.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به مدل ارائه شده و نیز راهبردهای پیشنهادی در این پژوهش، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، شهروندی و رفتاری معنوی، محقق می‌گردد. که بیشترین تاثیر در پیامدهای شهروندی خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** مدیریت شهری، عدالت اجتماعی، شهرداری‌های استان اصفهان

## مقدمه

شهر پدیده‌ای اجتماعی و فیزیکی است که زیر فشار توسعه‌های دائمی قرار دارد و تغییرات کمی و کیفی زیادی در آن به وقوع می‌پیوندد (اکبری و رضایی، ۱۳۹۷). شهرها امروزه در اثر ساختارهای سیاسی، اقتصادی، و سیاست‌های فضایی ناکارآمد، با چرخه‌ی نامطلوبی از نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی روبرو شده‌اند، چالش‌های بی‌سابقه همچون فقر، اسکان غیررسمی، نزول کیفیت زندگی، شکاف‌های درآمدی، از هم گسیختگی‌های اجتماعی و بی‌عدالتی در توزیع خدمات شهری، در شهرها شکل گرفته است، که سلامتی و رفاه جامعه شهری را به خطر انداخته و دوگانگی و عدم تعادل در فضای شهری را در پی داشته است (عزیزی دانالو و همکاران، ۱۳۹۹). عدم تناسب و تعادل بین سه عنصر تشکیل دهنده‌ی فضای شهر (انسان شهری، منابع آن، خدمات شهری و امکانات و تسهیلات شهری، محیط آن) باعث شکل‌گیری عدم تعادل و بی‌عدالتی در فضای شهری، پیامدها و چالش‌های نامطلوب شده است (طهماسبی‌زاده و خادم‌الحسینی، ۱۳۹۷). به همین علت در اواخر دهه ۱۹۶۰، به دلیل افزایش تنازعات و تنش‌های شهری در جوامع غربی، برنامه‌ریزی شهری، به سمت عدالت اجتماعی گرایش یافت. (همزمان با ارائه تئوری عدالت اجتماعی (رالز). می‌توان گفت یکی از اهداف بنیادین حکومت‌ها در جوامع انسانی، برقراری عدالت اجتماعی است. شهرهای امروز جهان با مدیریت‌های گوناگون، در پی ریشه‌کنی فقر و تحقق عدالت اجتماعی هستند، اما تلاش‌های مدیران شهری، به ویژه در کشورهای در حال رشد، در راستای کنترل فقر و گسترش عدالت اجتماعی، ناکام باقی مانده است. روندها، فرایندها و سازوکارهای موفقیت مدیریت شهری در یک ساختار مدیریت ناکارآمد، برای موفقیت و دستیابی به اهداف فوق، کدام‌اند؟

مدیریت شهری در ایران با مشکلات و معضلات بنیادینی روبرو است، که از جمله‌ی آن‌ها، می‌توان به مواردی همچون: توسعه نیافتگی، فقر، بیکاری، بی‌سوادگی، عدم مهارت‌های فنی، عدم آشنایی شهروندان با حقوق و وظایف شهروندی، عدم تبیین مهارت‌های اجتماعی برای مردم، وجود مشاغل غیررسمی، سکونتگاه‌های غیررسمی، فساد اداری، توزیع غیرعادلانه‌ی بودجه شهرداریها، نبود مدیریت یکپارچه، محدودیت اختیارات مدیریت شهری، موازی کاری نهادها و ارگان‌های مختلف، عدم مشارکت مردم، سوداگری زمین و کالایی شدن مسکن، بحران

مشروعیت در انتخابات شوراهای اسلامی شهرها و انتخاب شهردارها با رأی حداقلی، بی‌اعتمادی مردم نسبت به مدیریت شهری، سوگیری‌های سیاسی مدیران شهری، نبود پایش و ارزیابی خدمات شهرداری و قانون‌گریزی مدیران و قانون‌ستیزی شهروندان اشاره کرد.

## بیان مسئله

در طبقه‌بندی عمومی انواع سیستم‌ها، شهرها به عنوان یکی از سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی، جزء پیچیده‌ترین سیستم‌ها به شمار می‌روند. مدیریت بر سیستم‌های با پیچیدگی بالا، نیاز به رویکرد و برخورد سیستماتیک و شناسایی و هدایت عناصر مربوطه بر مبنای موازین و تحلیل‌های مبتنی بر این رویکرد است (کاظمیان، ۱۳۹۵). مدیریت شهری مدرن عبارتست از فرایند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی استراتژی‌های یکپارچه به کمک مقامات شهری با در نظر گرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان، در چارچوب سیاستی که در سطوح بالاتر حکومت برای تحقق قابلیت توسعه اقتصادی پایدار تدوین شود (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸). اگر شهر همچون سازمانی در نظر گرفته شود، لازم است که در راس آن عنصری برای برنامه‌ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد. این عنصر را می‌توان "مدیریت شهر" نامید. مدیریت شهر، شامل کارکردهای برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت، کنترل و هدایت است که برای اعمال قدرت باید برآمده از اراده شهروندان و قراردادهای اجتماعی باشد. به بیان دیگر، مدیریت شهری یک نهاد مدیریتی فراگیر و درگیر با موضوعات و پدیده‌های گسترده و متنوع شهرنشینی است که طبیعتاً از شرایط عمومی محیط اجتماعی خود تاثیر می‌پذیرد و خود را با امکانات بالقوه و بالفعل و محدودیت‌های ناشی از آن هماهنگ و منطبق می‌کند (رحمانیان، ۱۳۹۶).

اگر عدالت اجتماعی را مجموعه‌ای از قوانین و مقررات، برنامه‌ها، خدمات اجتماعی، اقدامات عمرانی، کمک‌های اجتماعی، گسترش آموزش و پرورش، اعطای معاش در دوران بی‌کاری، کاهش فقر، حمایت از مادران و کودکان، پرداخت مساوی به کارگران زن و مرد، ایجاد امنیت و نظام اداری سالم و همچنین مقابله با چهار نوع رنج اجتماعی مشترک بشر، یعنی بیماری، بی‌کاری، فقر و نادانی، در نظر گرفت، دولت‌ها وظیفه دارند با تمام قوا برای تحقق آن بکوشند (جاوید و جمالی، ۱۳۸۸). عدالت اجتماعی دارای تعاریف متعددی است. اما همه‌ی آنها بر روی یک چیز، نظر مشترک دارند که دولت‌ها وظیفه

نوع حکومت‌های مختلف در جامعه، شیوه‌های انتخاب و انتصاب مدیران شهری، متفاوت است» (لطیفی، ۱۳۹۶). به بیانی دیگر «مدیریت شهری، فرایندی است که در مجموع به یک نظام تصمیم‌گیری منجر خواهد شد. میزان موفقیت و یا عدم موفقیت مدیریت شهری بستگی به قدرت، مشروعیت و ساختار حقوقی و اجتماعی جامعه‌ی موردنظر دارد (میره‌ای و همکاران، ۱۳۹۱). مدیریت شهری برای تأمین عدالت اجتماعی، ناگزیر باید به تهی‌دستان شهری پاسخ‌گو باشد. نگارنده بر این باور است که در طول سالیان شکل‌گیری شهرداریها در کشور، از واحدهای محلی «بلدیه» گرفته تا طی فراز و نشیب‌ها در طول سالیان دراز که هم‌اکنون، این سازمانهای غیر انتفاعی و غیر دولتی به «شهرداری»، تغییر نام یافته، نظامی برای توزیع عادلانه خدمات به ذینفعان (شهروندان) وجود نداشته است. به عبارت دیگر شهرداریها، خدمات و فعالیتهای خود را در یک چارچوب مشخص و با توزیع متناسب و بر پایه انصاف و عدالت محور نداشته‌اند و بدون توجه به نیازهای شهروندان، بر اساس عادت، به ارائه خدمات و تخصیص بودجه و تمرکز فعالیت‌ها، عمدتاً در هسته مرکزی شهرها و نقاط بیشتر دیده شده، معطوف می‌نموده‌اند که عارضه‌هایی نظیر حاشیه نشینی، فقر و عقب ماندگی، ناهنجاریهای اجتماعی، انباشت مشکلات عمرانی و خدمات شهری در شهرک‌های اقماری شهرهای بزرگ و... در این خصوص ایجاد شده است. با استفاده از این مدل، هرگونه تصمیم‌گیری برای توزیع و تخصیص بودجه مبتنی بر نیاز سنجی و عدالت توزیعی در حوزه استحفاظی و خدماتی شهرها صورت می‌گیرد. لذا هدف اصلی تحقیق، طراحی مدل مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهرداریهای استان اصفهان می‌باشد.

#### ادبیات تحقیق

یکی از اصول بنیادین که در اغلب جوامع توسعه یافته، مبنای برنامه ریزی محسوب می‌شود، «اصل عدالت اجتماعی» است که تفکر نهادها و برنامه ریزان بر مبنای آن شکل می‌گیرد و از اصولی است که به دلگرمی، انسجام روابط و توزیع عادلانه (و نه مساوی) دستاوردها و عواید بین شهروندان منجر خواهد شد. مفهوم عدالت از منظرهای مختلف قابل بررسی است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چند بعدی بودن این مفهوم است (مرصوسی، ۱۳۹۳).

دارند تا برای همه ی شهروندان فرصت‌های سیاسی و اجتماعی برابری ایجاد کنند. و این موید حقوق مردم در دریافت خدمات اجتماعی از سوی دولت است. (قلی پور، ۱۳۹۲).

شهرهای امروزی، بعنوان یکی از عظیم ترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشری و یکی از فراگیر ترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر، مطرح هستند. نگرستن از نگاه عدالت محوری به مقوله مدیریت شهری، شاید یکی از موضوعات بسیار مهم برای شهرداران و منتخبین شوراهای شهرها در کشور ایران است.

برنامه ریزی و طراحی و توسعه شهری در چارچوب توسعه پایدار عدالت محور، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اگرچه شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از یک روند و ثبات نسبی برخوردار است، ولی هنوز مدیران شهری در توزیع و تخصیص امکانات و خدمات شهری (به صورت ناآگاهانه) مقوله عدالت را رعایت نمی‌کنند و همواره بخشها و مناطقی از شهرها، کمتر مورد توجه و توسعه قرار می‌گیرد. با عنایت به موارد فوق و با توجه به مشکلاتی که در حال حاضر در شهرداریها بدلیل عدم اجرای عدالت اجتماعی وجود دارد، مشکلاتی همچون فقدان فرصت‌های برابر برای شهروندان بمنظور مشارکت در تصمیم‌گیریها، تاکنون شهرداریها خدمات خود را مبتنی بر توزیع عدالت محور امکانات و برنامه‌ها ارائه نمی‌داده‌اند و صرفاً از روی سلیقه و یا حداکثر بر اثر تعدد درخواست‌های منطقه‌ای خاص و یا در اثر خطای تصمیم‌گیری انجام می‌داده‌اند. شهروندان بعنوان صاحبان اصلی شهرها، حق آگاهی و نظارت بر عملکرد شهرداریها را بیش از پیش دارند که این مهم در عمل اتفاق نمی‌افتد. مدیران شهری، در ارائه خدمات و البته پاسخگویی به شهروندان، همواره با احساس نارضایتی ذینفعان روبرو هستند که می‌تواند ناشی از اجرای نادرست و ناعادلانه خدمات و توزیع غیر منصفانه خدمات باشد، پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به سوال اصلی تحقیق مبنی بر این که مدلی مناسب برای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در سطح شهرداریهای استان اصفهان چگونه است، انجام شده است.

#### اهمیت و اهداف تحقیق

مدیریت شهری، روش‌ها و فرایندهایی است که از نیازها و خواسته‌های بشر حمایت و حفاظت کند (دوآنی، ۲۰۱۶). در واقع، «مدیریت شهری، فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در اداره‌ی شهر است و با توجه به ساختار و

فرهنگ فارسی معین، عدالت را داد کردن، دادگر بودن و انصاف داشتن و عدالت اجتماعی را عدالتی که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۷۱) تعریف میکند. وقتی ما راجع به عدالت اجتماعی صحبت می‌کنیم، در مورد چگونگی توزیع چیزهای خوب و بد بین اعضای جامعه انسانی بحث می‌کنیم (میلر، ۲۰۰۹). عدالت اجتماعی گویای توزیع عادلانه امکانات و ثروت و خدمات میان افرادی است که طبق تعریف دارای حقوق برابرند. اگرچه ممکن است عدالت اجتماعی مورد پذیرش همگان واقع شود ولی هرکس تنها به شیوه فکر و نظام ارزشی خود، معنی خاصی از توزیع عادلانه و عدالت اجتماعی را خواهد داد. و نتیجه آن که مفهوم عدالت اجتماعی مفهومی به غایت ذهنی و سیال خواهد بود (غنی‌نژاد، ۱۳۹۹).

تعریف دیگر از عدالت اجتماعی به این صورت است که «مساوات به عنوان برخورداری شهروندان از شانس‌ها و حقوق مساوی و استفاده ایشان از آزادی‌های اجتماعی بدون محدودیت‌های نژادی و جنسیتی و... قدمت فراوان دارد ولی تصور جدیدتری نیز وجود دارد که سابقه آن به انقلاب فرانسه برمی‌گردد و عدالت را در این می‌بیند که اعضای یک جامعه همه به یک نسبت از مواهب مادی آن جامعه برخوردار باشند» (تیکسفال، ۱۳۹۸). در کتاب نظریه عدالت، جان رالز در تعیین قاعده برای عدالت بعد از تأکید بر اصل اولیه برخورداری یکسان افراد از آزادی‌های سیاسی، معتقد است نابرابری‌های اجتماعی تنها در صورتی توجیه پذیر است که اول آنکه، بیشترین مزیت را به نفع محرومترین قشرهای جامعه حاصل کند؛ دوم آنکه، پیوستن به مناصب و موقعیت‌های قابل دسترسی برای همه افراد، تحت شرایط برابری منصفانه فراهم آید. وی به این ترتیب معیار حداکثرسازی رفاه برای پایین‌ترین قشر مردم را معیار عدالت معرفی می‌کند (پاپلی یزدی و دیگران، ۱۳۹۶).

### چارچوب نظری

در میان اندیشمندان گوناگون، نظرات متفاوتی درباره مفهوم عدالت، ابراز شده است. افلاطون، ضمن ارائه تصویر کلی برای جامعه مطلوب یا مدینه فاضله، از عدالت بحث کرده است. او معتقد است که مدینه فاضله، چهار صفت عدالت، حکمت، شجاعت و خویشتن‌داری را در خود دارد، که برجسته‌ترین آنها عدالت است و این صفت، بقیه را به وجود می‌آورد و هماهنگ کننده آنها، هم در اجتماع و هم در وجود فردی است. به زعم

افلاطون، عدالت این است که هر یک از افراد جامعه به وضع و موقعیتی که در اجتماع دارد، خشنود باشند و آن را قبول کنند و وظایف مربوط به آن را به حد کمال انجام دهند (سونتر و همکاران، ۲۰۲۰). نظریه عدالت رالز که شاخصترین نظریه عدالت اجتماعی غربی در دهه‌های اخیر است، بر توافق قراردادی به صورت پایه و اساس تشخیص اصول عدالت تکیه میکند. او هیچ تلقی و تصویری پیشینی از عدالت عرضه نمیدارد و محتوای اصول عدالت را به وضع نخستین توافق حاصل شده میان افراد موکول می‌کند (تیتاهیلو و همکاران، ۲۰۱۵). همان‌طور که خودش در مقدمه کتاب نظریه عدالت تصریح می‌کند، اندیشه او ارتباط محکمی با سنت قرارداد اجتماعی دارد که به وسیله متفکرانی نظیر جان لاک، روسو و کانت پی گرفته شده است و او در صدد ارائه مدلی کامل‌تر و پیشرفته از این رویکرد است که از مشکلات تقریرهای قبلی مصون باشد. اما آنچه در کتاب نظریه‌های درباره عدالت مورد توجه رالز است، رسیدن به «عدالت به مثابه انصاف» است «زان‌جا که روسو» نظریه قرارداد اجتماعی را برای تداوم زندگی اجتماعی انسان و استفاده از مزایای زندگی جمعی مطلوب و ضروری تلقی می‌نماید. در نظر روسو انسان جهت کسب منافع بیش‌تر می‌بایست از زندگی فردی و انزوای ناشی از آن‌رهایی یافته و در بطن زندگی اجتماعی مستتر گردد. به زعم روسو، زندگی اجتماعی ضمن آنکه برخی از مضرات و نابسامانی‌ها را برای انسان به ارمغان می‌آورد، دارای امتیازات بی‌شماری نیز می‌باشد که بر جنبه منفی و محدود کننده زندگی اجتماعی مستولی و غلبه دارد. از این رو وی به شدت طرفدار نظریه قرارداد اجتماعی بود. در نظر روسو، قرارداد اجتماعی مصالح و منافع اجتماعی را مورد حفاظت و پاسداری قرار داده و فراغ بال و راحتی را برای انسان‌ها به ودیعه می‌نهد. رهیافت‌های روسو بر این امر اساسی و کلیدی مبتنی بود که نوعی خیر مشترک، حداقل ضروری و مشترک در قرارداد اجتماعی مستتر است. وی این خیر مشترک و حداقل ضروری را «منابع ملی» نام نهاد. وی معتقد بود که می‌بایست قرارداد اجتماعی از منافع تمامی گروه‌ها و احاد جامعه و تضمین سعادت همگانی حمایت نماید (سیبریات و همکاران، ۲۰۲۱). در مجموع باید گفت که در اندیشه لیبرالیستی غرب معاصر، عدالت ناظر به حفظ و صیانت از حقوق اساسی فردی است و صفت عادلانه و اومانستی، تقریباً معادل و مترادف هم بکار گرفته می‌شود. در نگرش سوسیالیستی نیز عدالت اجتماعی به معنای عدالت توزیعی و در توزیع

محصولات، امکانات و فرآورده‌هاست که البته هر کدام دارای نقض و نارسایی هستند. در فرهنگ اسلامی، عدالت اجتماعی و تحقق آن برای جامعه بشری، از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است، که خداوند متعال در آیات متعددی از جمله آیه ۲۵ سوره حدید، دلیل فرستادن پیامبر (ص) را، مطرح کردن و تحقق عدالت در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، بیان فرموده است. برابری اجتماعی، مشخصه اصلی و جلوه حیاتی "امت" به شمار می‌رود. در اسلام تعبیر عدالت اجتماعی، مفهومی مطلق است نه نسبی، این تعبیر به عنوان یک نظام اجتماعی از این حقیقت نشأت می‌گیرد که خداوند تمام انسان‌ها را به گونه‌ای یکسان آفریده است که این حقیقت در کلام خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده است. بنیان عدالت سوسیالیستی در قرن ۱۹ توسط هگل با معرفی دولت به عنوان منبع عدالت اجتماعی ارائه شد. بر مبنای چنین دیدگاهی، ماهیت عدالت اجتماعی توزیع عادلانه ثروت و دارایی‌های جامعه می‌باشد که چنین توزیعی بر اساس میزان نیازمندی افراد جامعه و تقسیم بر اساس میزان کار و تولید صورت می‌گیرد که بعدها با نظریه مارکس مبنی بر، هرکس به اندازه توانش و به هرکس به میزان نیازش اشاعه پیدا کرد. مارکس ریشه تمام مسایل و مشکلات جامعه بشری و بی عدالتی را، زاده نظام طبقاتی -به ویژه نظام سرمایه داری می‌داند. لیبرالیسم، مفهومی سیاسی است که ریشه در فلسفه غرب دارد که متفکران نامداری چون آدام اسمیت، جان لاک، منتسکیو، کانت، جان استوارت میل و غیره پرچمدار آن بوده‌اند. جان لاک به عنوان یکی از چهره‌های سرشناس لیبرال، مفهوم علت وجودی دولت را مطرح می‌کند. به نظر لاک، علت وجودی دولت، حمایت از آزادی و دارایی شهروندان تحت حمایت دولت است که تا به امروز از مفاهیم بنیادی و اصولی لیبرالیسم است. از اوایل دهه ۱۹۷۰ رالز اندیش‌های عدالت اجتماعی خود را در کتاب تئوری عدالت منتشر کرد. رالز بر اساس تئوری عدالت خود جامعه‌ای را عادلانه تصور می‌کند که رالز عدالت اجتماعی را بر پایه دو اصل که آنها را ساختار آن مبتنی بر اصول و معیارهای عادلانه باشد. از دهه ۱۹۶۰ مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی، وارد ادبیات جغرافیایی شد و مسایلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابری‌های شدید، فقر، بیکاری به سرعت مورد توجه جغرافیادانان قرار گرفت و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکاتب دیگر تحت قرار داد. از میان جغرافیادانان و جامعه‌شناسانی که به طور مشخص به

موضوع فضا و ارتباط آن با ساختار اجتماعی پرداخته‌اند، دیوید هاروی جغرافیادان و امانوئل کاستلز جامعه‌شناس هستند که از دو دیدگاه مختلف به موضوع دیوید هاروی مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به منافع همگانی، ملاک توزیع درآمدها در پرداخته‌اند. مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار برد. در واقع هاروی با طرح وابستگی میان نابرابری‌های اجتماعی و ساختارهای فضای جغرافیایی، در تحلیل اصول عدالت اجتماعی سه معیار "نیاز"، "منفعت عمومی" و "استحقاق" را مطرح می‌کند و معتقد است، این سه معیار از جامعیت کاملی برخوردارند که در برگیرنده دیگر معیارها می‌باشند. (گیدنز، آنتونی؛ ۱۳۵۸).

### پیشینه تحقیق

نتایج مطالعات قلعه‌نویی و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد که افرادی که شهر جدید پرند زندگی می‌کنند بیش از هر چیز کاربری‌های خدماتی روزانه را به عنوان عامل اثرگذار در خوانش ادراکی عدالت فضایی در شهر جدید پرند در نظر گرفته‌اند. بر همین مبنای، نتیجه گرفته شد که شهروندان در بررسی عدالت فضایی ابتدا پایه‌ترین نیازهای خود را در نظر می‌گیرند. نتایج مطالعات اسکندری و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی دارای ۱۹۷ کد باز در ۱۹ کد محوری و ۷ کد انتخابی بود. کدهای انتخابی شامل مشارکت (با سه کد محوری مشارکت در ارائه خدمات، مشارکت نهادهای مردمی و تشکل‌ها در حکمرانی و مشارکت در سیاست‌گذاری)، پاسخگویی (با دو کد محوری پاسخگویی به نهادها و نظارت)، کارایی و اثربخشی (با سه کد محوری ارائه طرح‌های اشتغال‌زا، بازدهی بیشتر خدمات و ثبات در اقتصاد)، تصویب و حاکمیت قانون (با چهار کد محوری اتخاذ سیاست‌های صحیح، احترام دولت و مردم به قانون، حفظ امنیت و ثبات در جامعه)، مسئولیت‌پذیری (با سه کد محوری مسئولیت‌پذیری مدیران، نظارت مردم و ایجاد جو مسئولیت‌پذیری فرهنگی)، شفافیت (با دو کد محوری مبارزه با فساد و آزادی رسانه‌ها) و عدالت (با دو کد محوری ارائه خدمات برابر و اثربخش و مقابله با تبعیض‌های اجتماعی) بودند. طبق نتایج این پژوهش برای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی می‌توان کدهای شناسایی شده برای آن را از طریق بهبود شرایط و کارگاه‌های آموزشی ارتقاء بخشید. نتایج مطالعات افشارنیا و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد

بلکه آشکارتر می‌شود. ما این نتیجه را به قطبی شدن فضایی-اجتماعی نسبت می‌دهیم. یافته‌های ما می‌تواند توسط برنامه‌ریزان شهری برای هدف قرار دادن اصلاحات سیستم برنامه‌ریزی شهری فعلی و توسط سیاست‌گذاران برای تمرکز نزدیک بر قطبی‌سازی فضایی تدریجی بین ثروتمندان و فقرا مورد استفاده قرار گیرد.

### روش پژوهش

پژوهش از لحاظ نتیجه جزء تحقیقات توسعه‌ای است که جامعه آماری این پژوهش را کلیه خبرگان مدیریت شهری استان اصفهان که حدود ۴۰ نفر می‌باشد تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی از (حدود ۲۰ نفر) مصاحبه به عمل آمده است. از جمله ویژگی‌های خبرگان تحقیق در بخش کیفی، شامل مدیران و کارکنان دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالاتر و با سابقه خدمتی بالای ۲۰ سال و دارای تجارب ارزشمند مدیریت شهری بودند که جهت اجرای تحقیق بعد از طراحی سوالات کلی و تدوین فرایند مصاحبه، مصاحبه‌های عمیق و خبرگان و کارشناسان انجام شد. مصاحبه‌ها به مدت ۶۰ الی ۱۰۰ دقیقه و به صورت باز و با هر کدام از صاحب نظران به طول انجامید. بعد از اتمام هر مصاحبه، مصاحبه‌ها به صورت کامل بر روی کاغذ پیاده‌سازی و اقدام به کدگذاری اولیه شد تا مفاهیم اولیه استخراج شود. بعد از پایان یافتن تمامی مصاحبه‌ها، اقدام به مطالعه عمیق‌تر مبانی نظری و تحقیقات پیشین شد تا از ترکیب نظرات صاحب نظران و مفاهیم، نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام گردد. سپس طراحی سوال انجام شده و مدل اولیه طراحی شده و در اختیار چند نفر از صاحب نظران نیز قرار گرفت و پس از دریافت پیشنهادات و نظرات آنها در مورد طبقه‌بندی مقوله‌ها و مفاهیم، مدل نهایی پژوهش حاضر طراحی و نمونه‌گیری به صورت هدفمند و از روش گلوله برفی انجام شد و تا اشباع نظری ادامه یافت. در این مطالعه ۱۷ مصاحبه نیمه‌ساختار یافته رودررو با متخصصان انجام شد که پس از مصاحبه ۱۰ به بعد، تکرار اطلاعات دریافتی مشاهده شد اما برای اطمینان بیشتر تا مصاحبه ۱۴ ادامه یافت. کوال (۱۹۹۶) بیان کرده است که با توجه به زمان و منابع قابل دسترس تعداد نمونه برای انجام مصاحبه (۱۰±۱۵) نفر کافی خواهد بود. مصاحبه‌های انجام شده بر اساس نظریه داده‌بنیاد تجزیه و تحلیل شد. در پژوهش حاضر جهت گردآوری اطلاعات در بخش کیفی از مصاحبه باز استفاده

معیارهای عدالت فضایی این طرح‌ها در سطح پایینی قرار دارند و شاخص‌های عدالت فضایی در طرح جامع شهر گلپایگان دارای اولویت چندانی نسبت به یکدیگر نیستند. همچنین راهکارهای توزیع عادلانه منافع در طرح جامع شهر پیش‌بینی نشده و در مراجع تصویب نیز به آن‌ها اشاره نشده است. تحلیل محتوای برنامه‌ها و سیاست‌های طرح توسعه شهر گلپایگان، آسیب‌شناسی وضع موجود و شناسایی کمبودها و نهادهای خدماتی نشانگر تبیین نشدن جایگاه عدالت فضایی در طرح‌های توسعه شهری و حوزه‌های تصمیم‌سازی به‌خصوص در طرح‌های توسعه و عمران است. لای و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان نوسازی و توسعه مجدد شهری: عدالت اجتماعی و حقوق مالکیت با اشاره به سرمایه داری قانون اساسی هنگ کنگ انجام دادند. در چارچوبی که رشته‌های مختلف و مفاهیم کلیدی «نوسازی شهری» را به هم متصل می‌کند، این مقاله به بررسی انتشارات تحقیقاتی مربوطه می‌پردازد، همانطور که در ادبیات مربوط به سال ۱۹۶۰ از نظر موارد زیر یافت می‌شود: (۱) معانی و ابزارهای متنوع. (۲) دلایل اثبات شده برای نوسازی شهری توسط دولت. و (۳) مفهوم نگه داشتن. سپس نقش‌های عملی را مورد بحث قرار می‌دهد که دولت می‌تواند هنگام برنامه‌ریزی برای نوسازی شهری از نظر حقوق مالکیت بازی کند، که بعد از عدالت اجتماعی (که هنوز باید بررسی شود) و بیانی از تابعیت است. این نقش‌ها را در مطالعه‌ای در هنگ کنگ نشان می‌دهد و یک آزمون آماری را در مورد تأثیر نوسازی شهری بر املاک همسایه گزارش می‌کند. این باید نشان دهد که نوسازی شهری تحت رهبری دولت در هنگ کنگ به سمت بهره‌برداری از پتانسیل توسعه و نقض حقوق مالکیت خصوصی است، در حالی که سایر اهداف مورد حمایت ثانویه هستند. یک آزمون آماری نشان می‌دهد که نوسازی شهری تحت رهبری دولت، همانطور که انتظار می‌رود، همیشه به اثرات خارجی مثبت منجر نشده است.

وو (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان برچیدن حصار برای عدالت اجتماعی؟ شواهد مبتنی بر نابرابری دسترسی به فضای سبز شهری در منطقه مرکزی شهری پکن انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که مناطق مسکونی کم‌درآمد دسترسی کمتری به فضاهای سبز دارند. در مرحله بعد، با مقایسه تفاوت‌ها در برابری دسترسی بین دو سناریو قابل مقایسه که در آن همه جوامع حصارهای خود را برچیده‌اند، به‌طور غیر منتظره متوجه می‌شویم که نابرابری دسترسی به فضای سبز شهری بهبود نمی‌یابد،

جدول ۱: اطلاعات توصیفی مصاحبه شوندهگان

سابقه فعالیت	مدرک و رشته تحصیلی	مسئولیت و سمت شغلی
۲۴ سال	دکترای علوم سیاسی	عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)
۳۰ سال	دکترای مدیریت آینده پژوهی	عضو هیات علمی دانشگاه کاشان
۲۴ سال	دکترای مدیریت شهری	مسئول دبیرخانه کلان شهرها
۱۵ سال	کارشناسی ارشد	شهردار
۲۰ سال	کارشناسی ارشد	مدیر ارشد شهرداری تهران
۲۷ سال	دکترای معماری شهرسازی	شهردار - مدرس دانشگاه
۲۵ سال	دکترای مدیریت دولتی	شهردار - عضو شورای شهر
۳۰ سال	دکترای مدیریت مالی	عضو شورای شهر
۲۳ سال	دکترای مدیریت دولتی	مدیر ارشد شهرداری
۲۲ سال	کارشناس ارشد مدیریت	معاون شهرداری کلان شهر
۱۵ سال	کارشناس ارشد	مدیر عامل سازمان شهرداری
۳۰ سال	دکترای مدیریت شهری	شهردار
۳۰ سال	دکترای	فرماندار
۳۰ سال	کارشناس ارشد	رئیس شورای شهر
۲۵ سال	دکترای	مدیر شهرداری
۳۰ سال	دکترای	شهردار
۲۵ سال	دکترای	عضو هیات علمی دانشگاه
۲۵ سال	دکترای	شهردار
۲۵ سال	دکترای	معاون استاندار
۲۶ سال	دکترای	معاون وزیر کشور

(نگارنده، ۱۴۰۱)

### کدگذاری باز

در این روش پس از گردآوری داده‌ها و تنظیم آن به صورت نوشتاری، بخش‌هایی از متن‌های نوشتاری جمله انتخاب و به صورت اطلاعات کدگذاری شده، شماره‌گذاری شد. پژوهشگر در مرحله کدگذاری باز و با کدگذاری بر اساس پاراگراف تعدادی ۱۹۰ مفهوم اولیه را استخراج نمود و پس از ویرایش تعداد ۱۷۹ مفهوم اولیه به عنوان مفاهیم نهایی استخراج گردید. این کدهای اولیه در جدول ۲ نشان داده شده است.

شده است و سپس با استفاده از اسناد و مدارک موجود در رابطه با موضوع پژوهش در این حیطه قرار می‌گیرند که مجموعه داده‌های گردآوری شده در این پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون با هم ترکیب می‌شود. سپس کدهای بدست آمده در قالب پرسشنامه محقق ساخته تدوین و به این صورت ابزار پژوهش در بخش کمی پرسشنامه می‌باشد برای بررسی روایی یافته‌های پژوهش را برای مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آنها مطالعه و نقطه نظرات آنها اعمال شد. در پایان این پژوهش توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه نهایی بیان شد. پایایی داده‌ها از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات پژوهشگران و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرایند مطالعه اهداف اولیه و سوالات در اختیار اساتید دانشگاهی قرار گرفت و اصلاحات مورد نظر اعمال شد. پایایی بازآزمون معمولاً از میان مصاحبه‌ای انجام گرفته چند مصاحبه برای نمونه انتخاب می‌شود. هر یک از مصاحبه‌ها در فاصله زمانی کوتاه و مشخص شد دو بار کدگذاری شده سپس کدهای مشخص شده با یکدیگر مقایسه شدند. این روش برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هر یک از مصاحبه‌ها کدهایی که در فاصله زمانی مشابه یکدیگرند، به عنوان توافق و کدهای غیر مشابه به عنوان عدم توافق مشخص می‌کرد. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل شماتیک و نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. با استفاده از کدگذاری باز مقوله‌های مدل شناسایی شد و سپس در مرحله کدگذاری محوری پیوند این مقوله‌ها تعیین شد.

### یافته‌ها

اطلاعات توصیفی مصاحبه شوندهگان به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۲: نتایج کدگذاری باز حاصل از مصاحبه با نفرات خبره (نگارنده، ۱۴۰۱)

ردیف	موضوع	ردیف	موضوع
۱	رعایت عدالت و انصاف در اداره امور شهرها	۹۰	میزان سواد اجتماعی
۲	ادعای توانمندی مدیریت شهری در اجرای عدالت	۹۱	عبور از فاز خدمتی و تبدیل به یک نهاد اجتماعی
۳	همیشه عدالت برابر مساوات نیست	۹۲	شناخت نیازهای شهروندان الزامات زندگی شهروندانی
۴	توسعه اشتغال در زمینه گردشگری صنایع دستی و احیای مشاغل قدیمی	۹۳	سلامت روان شهروندی
۵	حمایت از احیای بافت ارزشمند تاریخی	۹۴	توسعه تعاملات اجتماعی
۶	برند سازی و هویت بخشی به داشته‌های میراث فرهنگی و هنری	۹۵	افزایش سرمایه اجتماعی
۷	شفاف سازی هزینه‌های مدیریت شهری	۹۶	شهر سرزنده و خلاق
۸	شفاف سازی انتصابات و بکارگماری مدیران	۹۷	افزایش مشارکت شهروندی
۹	شفاف سازی فرایند انجام کارها در شهرداری	۹۸	تعلق خاطر محله‌ای شهروندان





۱۰	شفاف سازی نظام واکنش‌گری و برون سپاری فعالیت‌های شهرداری	۹۹	ساختار کالبدی و توپوگرافی جغرافیایی شهر
۱۱	سپردن بخشی از اختیارات به مدیران	۱۰۰	شرایط متفاوت اقلیمی و آب و هوایی شهرها
۱۲	فقدان ساختار مناسب برای جذب سرمایه و منابع خارج از سازمان	۱۰۱	فاصله شهرها تا مرکز استان و پایتخت
۱۳	احصاء کلیه امکانات شهر و بررسی وضعیت آن	۱۰۲	ترکیب جمعیتی شهرها
۱۴	میزان ارزش واقعی منابع و سرمایه و مهندسی ارزش در شهرداری‌ها	۱۰۳	میزان مهاجرت و شهرهای مهاجر پذیر و مهاجر فرست
۱۵	اقتصاد شهری و شهرهای مولد و محرک مالی و اقتصادی	۱۰۴	یکنواختی جمعیت ساکن در شهر
۱۶	شناسایی عوامل محرک توسعه شهری	۱۰۵	حاشیه نشینی و فقر
۱۷	فقدان ساختار مناسب برای جذب سرمایه و منابع خارج از سازمان	۱۰۶	عدم حاکمیت قانون و استقرار نظام عدالت اجتماعی
۱۸	فقدان نظام جامعی برای مطالبه‌گری شهروندان و بهره‌مندی از عدالت	۱۰۷	عدم الزام به اجرای عدالت اجتماعی
۱۹	مونیتورینگ خواست و نیاز شهروندان	۱۰۸	فقدان محک و ابزارهای قانونی در اختیار شهرداری‌ها
۲۰	نگاه شهروندان به شهرداری و تعریف عدالت از دیدگاه شهروندان	۱۰۹	قانون‌گریزی یا قانون‌مداری
۲۱	رضایت شهروندان و تعریف مولفه‌ها و شاخص‌های رفاه اجتماعی	۱۱۰	احصاء قوانین زمینه‌ساز عدالت و درخواست تصویب قوانین فوق
۲۲	وضعیت خدمات رسانی موجود و مقایسه با وضعیت مورد انتظار	۱۱۱	ساختار نامناسب تشکیلاتی شهرداری‌ها
۲۳	توقعات و انتظارات مردم به تکنیک‌گره‌های شهروندی	۱۱۲	قوانین و شاخصه‌های فرادستی
۲۴	پرداختن به مسائل رفاه عمومی توسط شهرداری	۱۱۳	نقص و کاستی در قانون شهرداری
۲۵	مسئول آگاه، شهروند آگاه و مطالبه‌گر	۱۱۴	توسعه همه‌جانبه، فرانگر و عادلانه شهرها
۲۶	سهم خواهی مدیران شهری	۱۱۵	شهرداری الکترونیک
۲۷	ارتباط مدیریت شهری با حکومت مرکزی	۱۱۶	توجه به محیط زیست و آلودگی هوای شهری
۲۸	ساختار مدیریت شهری	۱۱۷	توسعه رفاه اجتماعی
۲۹	تشکیلات دموکراتیک	۱۱۸	عارضه یابی شهرداری و استقرار نظام تدوین چالش‌ها و مشکلات
۳۰	تفویض اختیارات حکومت محلی	۱۱۹	انجام درست کارهای درست توسط شهرداری (بهره‌وری)
۳۱	تمرکززدایی حکومت مرکزی (سازمان شهرداری‌ها)	۱۲۰	شناخت مطلوب یک مدیر شهری از اجزای شهر
۳۲	عدم اجرای مدیریت واحد شهری	۱۲۱	قدرت دانش و نظام فکری و مدیریتی شخص شهردار
۳۳	ساختار نادرست در شورای اسلامی شهرها	۱۲۲	مدل ذهنی مدیران شهرداری
۳۴	چابک سازی سازمان در شهرداری‌ها	۱۲۳	نیازسنجی در شهرها
۳۵	عدم توانمندی شهرداران	۱۲۴	داشتن برنامه استراتژیک و سند چشم‌انداز
۳۶	نفوذ رسانه‌ها و مطبوعات	۱۲۵	رفتار سلیقه‌ای مدیران شهری
۳۷	کارکرد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی	۱۲۶	تفاوت در تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری
۳۸	اطلاع‌رسانی به موقع مدیریت شهری	۱۲۷	غیر چابک بودن سازمان شهرداری
۳۹	چالش‌های بزرگ ارتباط مردم و مدیران شهری	۱۲۸	توزیع نادرست اختیارات و مسئولیت‌ها در بین مدیران
۴۰	سوگیری‌های سیاسی در کشور و نظام متمرکز	۱۲۹	اتخاذ به روز ترین تصمیم‌ها توسط شهرداری در حوزه‌های مختلف
۴۱	عملکرد کاملاً سیاسی شورای شهر	۱۳۰	رفتار در لحظه شهرداران و مدیران شهر
۴۲	جهت‌گیری‌های سیاسی و گروه‌های فشار	۱۳۱	پرداختن به اولویت‌ها و پتانسیل‌ها
۴۳	وجود ملاحظاتی سیاسی	۱۳۲	استفاده از تکنیک‌های حل مسئله
۴۴	وجود رانت و فضاهای سوء استفاده سیاسی	۱۳۳	وجود تشکل‌های اجتماعی و نهادها و تقویت ایشان
۴۵	ورود ناخواسته شهرداری‌ها به مسائل امنیتی	۱۳۴	نگاه حمایتی مدیریت شهری به نهادهای حامی و حمایت از سمن‌ها
۴۶	عوامل سیاسی و سیاست‌زدگی شوراها	۱۳۵	نهادگرایی و گرایش مدیریت شهری به حمایت از سمن‌ها
۴۷	نظارت و ارزیابی عملکرد مدیران شهری	۱۳۶	ایجاد حس اطمینان خاطر شهروندان به شهرداری
۴۸	اعمال سلیقه در مدیریت عملکرد مدیران	۱۳۷	سوابق گذشته عملکرد شهرداری
۴۹	تثانی و ساخت و پاخت و فساد اداری	۱۳۸	بررسی عقبه شهر
۵۰	انصاف و اخلاق مدیران و کارگزاران شهرداری	۱۳۹	اقبال و اعتماد عمومی
۵۱	الگوهای معرفت‌شناختی	۱۴۰	رضایت مردم از حکمرانی شهری شایسته‌سالاری
۵۲	شهر آرمان‌گرا	۱۴۱	توزیع برابر امکانات و خدمات
۵۳	حس همدلی و مسئولیت‌پذیری شهروندی	۱۴۲	توزیع برابر فرصت‌ها
۵۴	فضیلت و مهربانی	۱۴۳	برقراری عدالتانه مراودات با شهروندان
۵۵	خدمت به هم‌نوع	۱۴۴	عدالت فضایی شهر و شهر سازی
۵۶	توزیع خدمات بر اساس شرایط الزام آور و ناگزیر	۱۴۵	تخصیص عادلانه خدمات شهری
۵۷	راهبرد های سخت افزاری در مدیریت شهری	۱۴۶	شایسته‌گزینی یا لیاقت‌مندی در وظایف
۵۸	ارتقای کیفیت زندگی شهری	۱۴۷	ایجاد توازن بین منابع و توزیع
۵۹	زمینه سازی برای تحقق جامعه مدنی	۱۴۸	اصلاح ساختار سازمانی
۶۰	تلاش در جهت تحقق دیپلماسی شهری	۱۴۹	پرورش افرادی توانمند و چندمهارته
۶۱	عوامل مداخله‌گر درونی و بیرونی	۱۵۰	ایجاد سازمانهای دانش محور
۶۲	شهر برای همه شهروندان	۱۵۱	امنیت عمومی
۶۳	تلاش آحاد جامعه برای اداره بهتر شهر	۱۵۲	آموزش
۶۴	ناهمگونی بافت اجتماعی	۱۵۳	سرمایه اجتماعی





۶۵	سبک زندگی شهروندان	۱۵۴	توانایی نوآوری در کارکنان
۶۶	رانت های ایجاد شده برای محل یا مراکز خاص	۱۵۵	برنامه ریزی یکپارچه
۶۷	نمودار توزیع قدرت در شهرداریها	۱۵۶	جامعه‌ای باز
۶۸	قدرت شهروندان نهادهای مراکز دولتی در شهرداری ها	۱۵۷	ترکیب جمعیتی
۶۹	وجود مسائل قومی و محله گرایی در شهر ها	۱۵۸	کیفیت محیطی زیست
۷۰	مذهب و اعتقادات مذهبی	۱۵۹	قانون مداری
۷۱	وجود گروههای غیر رسمی در شهرداری ها	۱۶۰	کاهش درگیری و تخلفات شهری
۷۲	وجود گروه های غیر رسمی و نفوذ بر شورای شهر	۱۶۱	تعلق محله‌ای و کاهش مهاجرت
۷۳	عدم هماهنگی دستگاه‌های دولتی با مدیریت شهری	۱۶۲	پرداخت بموقع عوارض
۷۴	رفتار سلیقه‌ای مدیران شهری	۱۶۳	کاهش هزینه های مدیریت شهری
۷۵	استحاله شهروندان در ذینفعان خارجی	۱۶۴	رواق اقتصاد شهری
۷۶	استحاله شهر داران در مراکز فشار	۱۶۵	امنیت سرمایه گذاری
۷۷	عدم آمایش نیروی انسانی در شهرداری‌ها	۱۶۶	فقر زدایی و رفع محرومیت و اشتغالزایی
۷۸	بررسی توانایی ذاتی افراد و مدیران شهرداری	۱۶۷	خدمت به همونوع
۷۹	فقدان تخصص لازم و انتصاب مدیران بی کفایت	۱۶۸	فضیلت
۸۰	نبود تعهدات کافی از سوی شهرداری به شهروندان	۱۶۹	صداقت
۸۱	شناخت نیازهای شهروندان و اهتمام برای رفع آن	۱۷۰	کرامت
۸۲	مساوات و برابری در ارائه خدمات	۱۷۱	محبت و مهربانی
۸۳	تلاش برای کارآمدی منابع	۱۷۲	وحدت فرماندهی
۸۴	عدم تحقق عدالت با نظام مالی فعلی	۱۷۳	ترویج فرهنگ مثبت‌اندیشی
۸۵	تورم و افزایش قیمت‌ها و املاک شهری	۱۷۴	طراحی و بازآفرینی شهری
۸۶	نداشتن منابع درآمدی پایدار در شهرداری	۱۷۵	عدالت جنسیتی
۸۷	تقسیم نامتوازن ثروت در جامعه	۱۷۶	شهر هوشمند
۸۸	نحوه نادرست وصول و اخذ درآمدهای شهرداری	۱۷۷	زیرساختهای عمرانی
۸۹	تقسیم غیرعادلانه منابع و امکانات شهری	۱۷۸	بهره‌وری منابع
۹۰	نظام منفعل آموزش و آگاه سازی شهروندی	۱۷۹	

(نگارنده، ۱۴۰۱)

### کد گذاری محوری

تولید شده به صورت منطقی و تحلیلی به دنبال هم فهرست‌وار آورده شده است. کدهای به دست آمد در مرحله اول در قالب مفاهیم انتزاعی طرح گذاری شدند. نتایج این کدگذاری و نحوه تحلیل و ترکیب مفاهیم اولیه در قالب مفاهیم ثانویه، در جدول ۳ نشان داده شده‌اند.

در مرحله اول تلاش برای این بود که نکات کلیدی و مورد تأکید مصاحبه شونده‌گان استخراج شود که در نهایت محقق پس از حذف موارد مشابه به ۳۲ کد باز در جدول شماره ۳ رسید. در این مرحله مقوله‌های عمده بر اساس ابعاد دسته بندی شد. در این مرحله مقوله‌های

جدول ۳: کدگذاری محوری

ردیف	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
۱	عدالت و انصاف	رعایت عدالت و انصاف در اداره امور شهرها
		ادعای توانمندی مدیریت شهری در اجرای عدالت
		همیشه عدالت برابر مساوات نیست
۲	گردشگری و توریسم	توسعه اشتغال در گردشگری صنایع دستی و احیای مشاغل قدیمی
		حمایت از احیا بافت ارزشمند تاریخی
		برند سازی و هویت بخشی به داشته های میراث فرهنگی و هنری
۳	شفافیت	شفاف سازی هزینه های مدیریت شهری
		شفاف سازی انتصابات و بکارگماری مدیران
		شفاف سازی فرایند تنجام کارها در شهرداری
۴	منابع و سرمایه	شفاف سازی نظام واگذاری و برون سپاری فعالیت‌های شهرداری
		سپردن بخشی از اختیارات به مدیران
		فقدان ساختار مناسب برای جذب سرمایه و منابع خارج از سازمان
		احصاء کلیه امکانات شهر و بررسی وضعیت آن
		میزان ارزش واقعی منابع و سرمایه سازمان و مهندسی ارزش
		اقتصاد شهری و شهرهای مولد و محرک مالی و اقتصادی
		شناسایی عوامل محرک توسعه شهری

ردیف	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
۵	مطالبه‌گری	فقدان ساختار مناسب برای جذب سرمایه و منابع خارج از سازمان
		فقدان نظام جامعی برای مطالبه‌گری شهروندان و بهره‌مندی از عدالت
		مونیتورینگ خواست و نیاز شهروندان
		نگاه شهروندان به شهرداری و تعریف عدالت از دیدگاه شهروندان
		رضایت شهروندان و تعریف مولفه‌ها و شاخص‌های رفاه اجتماعی
		وضعیت خدمات رسانی موجود و مقایسه با وضعیت مورد انتظار
۶	ساختار و تشکیلات	توقعات و انتظارات مردم به تفکیک گروه‌های شهروندی
		پرداختن به مسائل رفاه عمومی توسط شهرداری
		مسئول آگاه، شهروند آگاه و مطالبه‌گر
		سهم خواهی مدیران شهری
		ارتباط مدیریت شهری با حکومت مرکزی
		ساختار مدیریت شهری
		تشکیلات دموکراتیک
		تفویض اختیارات حکومت محلی
		وحدت فرماندهی
		تمرکززدایی حکومت مرکزی (سازمان شهرداریها)
۷	رسانه و ارتباطات	عدم اجرای مدیریت واحد شهری
		ساختار نادرست در شورای اسلامی شهرها
		چابک سازی سازمان در شهرداری‌ها
		عدم توانمندی شهرداران
		نفوذ رسانه‌ها و مطبوعات
		کارکرد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی
۸	مسائل سیاسی	اطلاع رسانی به موقع مدیریت شهری
		چالش‌های بزرگ ارتباط مردم و مدیران شهری
		سوگیری‌های سیاسی در کشور و نظام متمرکز
		عملکرد کاملاً سیاسی شورای شهر
		جهت‌گیری‌های سیاسی و گروه‌های فشار
		وجود ملاحظات سیاسی
۹	نظام مدیریت و ارزیابی عملکرد	جود رانت و فضاهاى سوء استفاده سیاسی
		ورود ناخواسته شهرداری‌ها به مسائل امنیتی
		عوامل سیاسی و سیاست زدگی شوراها
		نظارت و ارزیابی عملکرد مدیران شهری
		اعمال سلیقه در مدیریت عملکرد مدیران
		تبانی و ساخت و پاخت و فساد اداری
۱۰	آموزه‌های دینی اخلاقی و معنوی	انصاف و اخلاق مدیران و کارگزاران شهرداری
		الگوهای معرفت‌شناختی
		شهر آرمان‌گرا
		حس همدلی و مسئولیت‌پذیری شهروندی
		فضیلت و مهربانی
		خدمت به هم‌نوع
۱۱	خدمات و امکانات شهری	توزیع خدمات بر اساس شرایط الزام آور و ناگزیر
		راهبرد های سخت‌افزاری در مدیریت شهری
		ارتقای کیفیت زندگی شهری
		زمینه‌سازی برای تحقق جامعه مدنی
۱۲	جامعه مدنی	تلاش در جهت تحقق دیپلماسی شهری
		عوامل مداخله‌گر درونی و بیرونی
		شهر برای همه شهروندان
		تلاش‌آحاد جامعه برای اداره بهتر شهر
		ناهمگونی بافت اجتماعی
		سبک زندگی شهروندان
۱۳	پایگاه‌های قدرت ثروت و نفوذ	رانت‌های ایجاد شده برای محل یا مراکز خاص
		نمودار توزیع قدرت در شهرداریها
		میزان قدرت موجود شهروندان نهادها و مراکز اداری و دولتی
		وجود مسائل قومی و محله‌گرایی در شهرها
		مذهب و اعتقادات مذهبی

ردیف	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
۱۴	عدم انسجام مدیریت واحد شهری	وجود گروه‌های غیر رسمی در شهرداری‌ها
		وجود گروه‌های محلی و غیر رسمی و نفوذ بر اعضای شورای اسلامی
		عمکرد نامناسب دستگاه‌های دولتی در سطح شهر
		رفتار سلیقه‌ای مدیران شهری
۱۵	منابع انسانی	استحاله شهروندان در ذینفعان خارجی
		استحاله شهر داران در مراکز فشار
		پرت منابع انسانی و عدم آمایش نیروی انسانی در شهرداری‌ها
		بررسی توانایی ذاتی افراد و مدیران شهرداری
۱۶	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی	فقدان تخصص لازم برای مدیران شهری و انتصاب مدیران بی کفایت
		نبود تعهدات کافی از سوی شهرداری به شهروندان
		شناخت نیازهای شهروندان و اهتمام برای رفع آن
		مساوات و برابری در ارائه خدمات
۱۷	بودجه و منابع مالی	ترویج فرهنگ مثبت‌اندیشی
		تلاش برای کارآمدی منابع
		اصلاح نظام مالی موجود در شهرداری‌ها
		تورم و افزایش قیمت‌ها و املاک شهری و گردش مالی بالای شهرها
۱۸	آموزش شهروندی	نداشتن منابع درآمدی پایدار در شهرداری
		تقسیم نامتوازن ثروت در جامعه
		نحوه نادرست وصول و اخذ درآمدهای شهرداری
		تقسیم غیرعادلانه منابع و امکانات شهری
۱۹	مشارکت اجتماعی	نظام منفعل آموزش و آگاه‌سازی شهروندی
		میزان سواد اجتماعی
		عبور شهرداری از فاز خدماتی و تبدیل به یک نهاد اجتماعی
		شناخت نیازهای شهروندان شناخت الزامات زندگی شهرنشینی
۲۰	کالبد و فضای شهری	سلامت روان شهروندی
		توسعه تعاملات اجتماعی
		افزایش سرمایه اجتماعی
		شهر سرزنده و خلاق
۲۱	حاکمیت قانون	افزایش مشارکت شهروندی
		تعلق خاطر محله‌ای شهروندان
		ساختار کالبدی و توپوگرافی جغرافیایی شهر
		شرایط متفاوت اقلیمی و آب و هوایی شهرها
۲۲	توسعه پایدار	فاصله شهرها تا مرکز استان و پایتخت
		ترکیب جمعیتی شهرها
		میزان مهاجرت و شهرهای مهاجر پذیر یا مهاجر فرست
		یکنواختی جمعیت ساکن در شهر
۲۳	مدیریت و سازمان	حاشیه‌نشینی و فقر
		عدم حاکمیت قانون و استقرار نظام عدالت اجتماعی
		عدم الزام به اجرای عدالت اجتماعی
		فقدان محک و ابزارهای قانونی در اختیار شهرداری‌ها
۲۴	توسعه رفاه اجتماعی	آگاهی از وظایف عرف جامعه و درجه قانون‌گریزی یا قانون‌مداری
		احصاء قوانین زمینه‌ساز عدالت و درخواست تصویب قوانین
		ساختار نامناسب تشکیلاتی شهرداریها
		قوانین و شاخصه‌های فرادستی
۲۵	مدیریت و سازمان	نقص و کاستی در قانون شهرداری
		توسعه همه جانبه، فراتر و عادلانه شهرها
		شهرداری الکترونیک
		طراحی و بازآفرینی شهری
۲۶	مدیریت و سازمان	عدالت جنسیتی
		شهر هوشمند
		زیرساختهای عمرانی
		توجه به محیط زیست و آلودگی هوای شهری
۲۷	مدیریت و سازمان	توسعه رفاه اجتماعی
		عارضه یابی شهرداری و استقرار نظام تدوین چالش‌ها و مشکلات
		انجام درست کارهای درست توسط شهرداری (بهره‌وری)
		شناخت مطلوب یک مدیر شهری از اجزای شهر

ردیف	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
۲۴	تصمیم سازی و تصمیم گیری	قدرت دانش و نظام فکری و مدیریتی شخص شهردار
		مدل ذهنی مدیران شهرداری
		نیازسنجی در شهرها
		داشتن برنامه استراتژیک و سند چشم انداز
		رفتار سلیقه‌ای مدیران شهری
		تفاوت در تصمیم گیری های مدیریت شهری
		غیر چابک بودن سازمان شهرداری
		توزیع نادرست اختیارات و مسئولیتها در بین مدیران
		اتخاذ بهترین و به روز ترین تصمیمها در حوزه های مختلف شهری
		رفتار در لحظه شهرداران و مدیران شهر
۲۵	سازمان های مردم نهاد	پرداختن به اولویتها و پتانسیل ها
		استفاده از تکنیک های حل مسئله
		وجود تشکل های اجتماعی و نهادها و تقویت ایشان
۲۶	اعتماد و اعتبار مدیریت شهری	نگاه حمایتی به نهادهای سازی و حمایت از تشکيل نهادها و سازمانها
		نهادگرایی و گرایش مدیریت شهری به حمایت از سمن ها
		ایجاد حس اطمینان خاطر شهروندان به شهرداری
		سوابق گذشته عملکرد شهرداری
۲۷	توزیع منابع و درآمد	بررسی عقبه شهر
		اقبال و اعتماد عمومی
		رضایت مردم از حکمرانی شهری شایسته سالاری
		توزیع برابر امکانات و خدمات
		توزیع برابر فرصتها
		برقراری عادلانه مراودات با شهروندان
۲۸	چابک سازی سازمان شهرداری	بهره‌وری منابع
		عدالت فضایی شهر و شهر سازی
		تخصیص عادلانه خدمات شهری
		شایسته‌گزینی یا لیاقت‌مندی در انجام وظیفه
		ایجاد توازن بین منابع و توزیع
۲۹	محرك‌های توسعه پایدار شهری	اصلاح ساختار سازمانی
		پرورش افرادی توانمند و چندمهارته
		ایجاد سازمانهای دانش محور
		امنیت
		آموزش
		سرمایه اجتماعی
		توانایی نوآوری در کارکنان
۳۰	رفتارهای شهروندی	برنامه ریزی یکپارچه
		جامعه‌ای باز
		ترکیب جمعیتی
		کیفیت محیطی زیست
		قانون مداری
۳۱	اقتصادی و رفاه اجتماعی	کاهش درگیری و تخلفات اداری شهری
		تعلق محله‌ای و کاهش مهاجرت
		پرداخت بموقع عوارض
		کاهش هزینه های مدیریت شهری
۳۲	رفتاری و معنویت	روتق اقتصاد شهری
		امنیت سرمایه گذاری
		فقر زدایی و رفع محرومیت و اشتغالزایی
		خدمت به هم‌نوع
		فضیلت
		صداقت
		کرامت
		محبت و مهربانی

(نگارنده، ۱۴۰۱)

## کدگذاری انتخابی

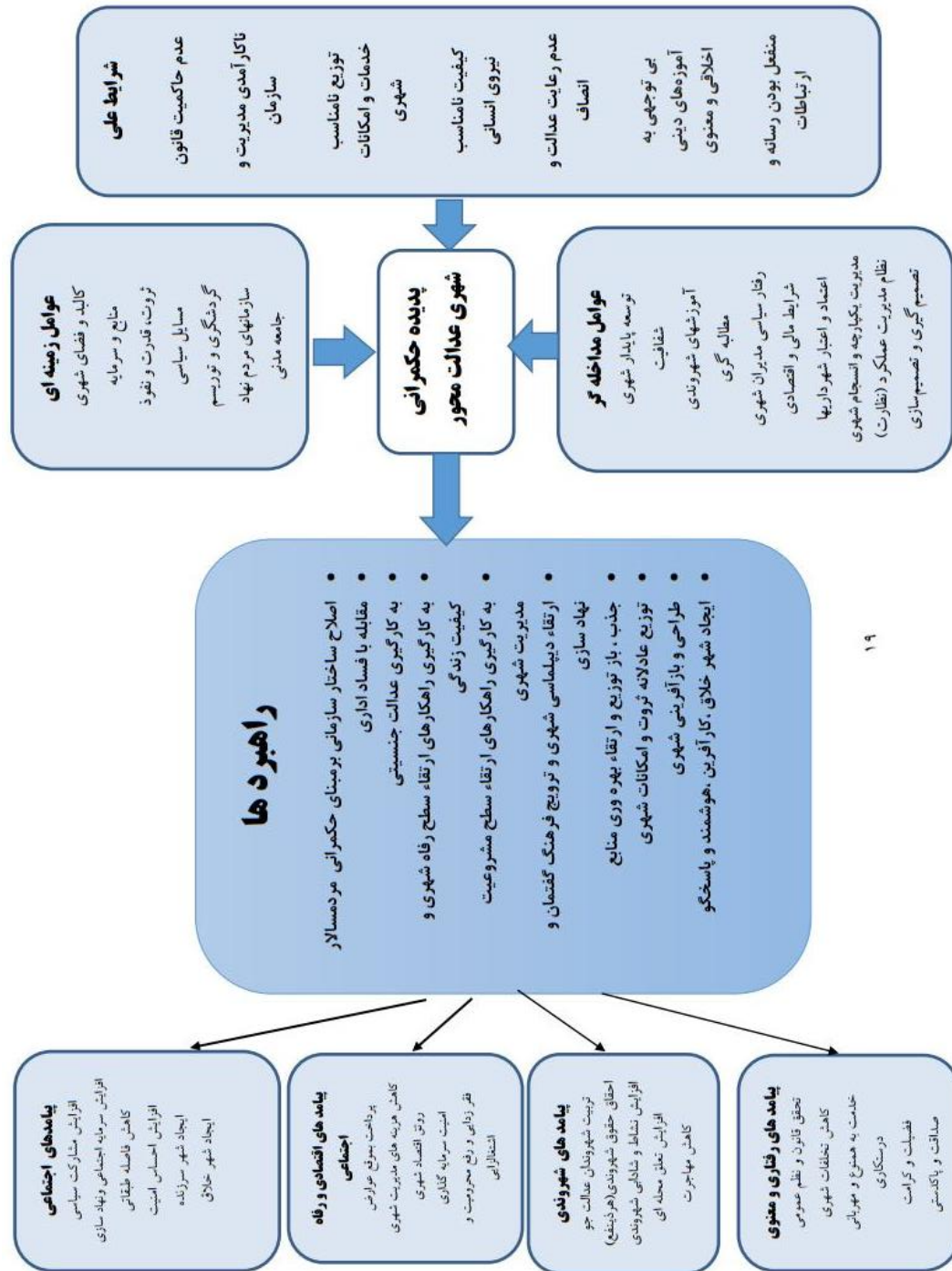
محوری می‌توان تئوری داده بنیاد برآمده از داده‌های خبرگان مدیریت شهری را به صورت زیر ارائه نمود. توجه به این نکته حائز اهمیت می‌باشد که در این تحقیق روش ترسیمی جهت ارائه تئوری داده بنیاد انتخاب شده است. چرا که همانطور که در بخش روش شناسی ارائه شده است، علاوه بر روش ترسیمی می‌توان از روش روایتی نیز برای ارائه تئوری داده بنیاد استفاده نمود.

کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند، و مقوله‌های را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌کند. و با توجه به این که مدیریت شهری عدالت محور به عنوان مقوله

جدول ۴: کدگذاری انتخابی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
شرایط علی	عدم حاکمیت قانون
	ناکارآمدی مدیریت و سازمان
	توزیع نامناسب خدمات و امکانات شهری
	کیفیت نامناسب نیروی انسانی
	عدم رعایت عدالت و انصاف
	بی توجهی آموزه‌های دینی اخلاقی و معنوی
عوامل زمینه‌ای	منفعل بودن رسانه و ارتباطات
	کالبد و فضای شهری
	منابع و سرمایه
	ثروت، قدرت و نفوذ
	مسایل سیاسی
	گردشگری و توریسم
عوامل مداخله‌گر	سازمانهای مردم نهاد
	جامعه مدنی
	توسعه پایدار شهری
	شفافیت
	آموزشهای شهروندی
	مطالبه‌گری
	رفتار سیاسی مدیران شهری
	شرایط مالی و اقتصادی شهرداریها
	اعتماد و اعتبار شهرداریها
	مدیریت یکپارچه و انسجام شهری
نظام مدیریت عملکرد (نظارت)	
راهبردهای مدیریت شهری	تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی
	اصلاح ساختار سازمانی بر مبنای حکمرانی مردمسالار
	مقابله با فساد اداری
	به کارگیری عدالت جنسیتی
	به کارگیری راهکارهای ارتقاء سطح رفاه شهری و کیفیت زندگی
	به کارگیری راهکارهای ارتقاء سطح مشروعیت مدیریت شهری
پیامدها	ارتقاء دیپلماسی شهری و ترویج فرهنگ گفت‌وگو و نهاد سازی
	جذب، باز توزیع و ارتقاء بهره‌وری منابع
	توزیع عادلانه ثروت و امکانات شهری
	طراحی و بازآفرینی شهری
	ایجاد شهر خلاق، کارآفرین، هوشمند و پاسخگو
	پیامد های اجتماعی
پیامد های اقتصادی و رفاه	
پیامد های شهروندی	
پیامد های رفتاری و معنوی	

(نگارنده، ۱۴۰۱)



### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر، که هدف اصلی آن تدوین و ارائه مدل مدیریت شهری مبتنی بر عدالت بوده است، دیدگاه‌های صاحب‌نظران امر را مورد توجه قرار داده تا از این طریق بتواند به مدلی متناسب دست پیدا کند. یافته‌های تحقیق نشان داد شرایط علی موثر بر مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی، عدم حاکمیت قانون، ناکارآمدی مدیریت و سازمان، توزیع نامتناسب

خدمات و امکانات شهری، کیفیت نامناسب نیروی انسانی، عدم رعایت عدالت و انصاف، بی توجهی به ارزشهای اخلاقی و معنوی و منفعل بودن رسانه و ارتباطات می‌باشند. نتیجه به دست آمده با مطالعات اسکندری و همکاران (۱۴۰۰)، شکور و نامدار (۱۴۰۰)، رجبی و همکاران (۱۳۹۹)، الماسی و همکاران (۱۳۹۸)، تابعی و همکاران (۱۳۹۶)، وو و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

و پاسخگویی، حاکمیت قانون، بهره‌وری و تبعیت از قانون اجرا می‌گردد. برای بهبود و توسعه فاکتورهای تاثیرگذار بر عوامل مداخله‌گر، توسعه‌ی رفاه اجتماعی و رفع نابرابری‌های شدید شهری بر اساس سه شاخص "نیاز، منفعت عمومی و استحقاق، نهادگرایی، تقویت روحیه جوانان، ترویج فرهنگ گفت‌وگو و مثبت‌اندیشی و نهایتاً تعامل و ارتباط حد اکثری با هنرمندان، نخبگان و فرهیختگان شهر، ورزشکاران، فعالان اجتماعی... پیشنهاد می‌گردد.

ج) یافته‌های تحقیق نشان داد عوامل زمینه‌ای موثر بر مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی، کالبد و فضای شهری، منابع و سرمایه، ثروت، قدرت و نفوذ، مسایل سیاسی، گردشگری و توریسم، سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی می‌باشند. نتیجه به دست آمده با مطالعات کمان‌رودی و همکاران (۱۴۰۰)، هاشم‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، الماسی و همکاران (۱۳۹۸)، بندرآباد و خلیجی (۱۳۹۷)، اسپالیوورا و همکاران (۲۰۱۹) و بیچکرک و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. در تبیین یافته‌های فوق می‌توان ادعا نمود برنامه ریزی کالبدی راهی برای رسیدن به سطح کیفیت زندگی مناسب ساکنان شهرهاست. وجود طرح‌های CDS در شهرها نشانگر اهمیت موضوع توسعه و حکمرانی عدالت محور می‌باشد. شهرها به علت دارا بودن جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی، از مقاصد گردشگری محسوب می‌شوند. توسعه گردشگری شهری آثار مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به دنبال دارد، ایجاد تعادل در این زمینه، به گونه‌ای که آثار مثبت بیش از آثار منفی باشد، نیازمند اتخاذ سیاست‌های مدیریتی قوی است. بازنگری در کاربری‌های موجود شهری، تعریف و تمایز دقیق از مفاهیم بافت تاریخی، بافت فرسوده و بافت جدید شهری، اصلاح و بهبود الگوهای زیستی و ساخت و ساز شهری با توجه به زندگی و الگوهای مصرف امروزی، و ساماندهی حاشیه نشینی طراحی الگویی برای فضا و کالبد شهری، سازگار با میراث فرهنگی و ارزش‌های هویتی شهر و همسان سازی با الگوهای گردشگری در بعد بین‌المللی ملی و منطقه‌ای از جمله اقداماتی است که در این زمینه می‌تواند صورت گیرد. یافته‌های تحقیق نشان داد راهبردهای مدیریت شهری موثر بر مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی، شامل اصلاح ساختار سازمانی بر مبنای حکمرانی مردم‌سالار، مقابله با فساد اداری، به کارگیری عدالت جنسیتی، به کارگیری راهکارهای ارتقاء سطح

در تبیین یافته‌های تحقیق، می‌توان ادعا نمود که حاکمیت قانون به عنوان مفهومی کلیدی برای ممانعت از خودکامگی و اعمال قدرت خودسرانه، از عناصر اساسی «حکمرانی خوب» شمرده می‌شود. عدم توجه به شاخصهای حکمروایی در مدیریت دولتی در کشور، فضا برای مانور مدیرانی غیر پاسخگو و بی‌مسئولیت را فراهم نموده که عدم ثبات مدیریت شهری، یکی از علل مهم پیدایش این عارضه است. همچنین بی‌توجهی به توزیع مناسب فرصت‌ها، خدمات و امکانات، میان ساکنان مختلف یک شهر، باعث از میان رفتن اعتماد و افزایش نارضایتی شهروندان خواهد شد. انتظار می‌رود در جامعه اسلامی، عدالت و انصاف که یکی از پایه‌های دین اسلامی هستد در سطح مدیریت شهری خود را نشان بدهد.

برای بهبود و توسعه فاکتورهای تاثیرگذار بر شرایط علی حکمرانی شهری عدالت محور، گسترش دامنه نفوذ شورای شهر (به عنوان نهاد حکمرانی شهری) به مسائل مهم شهری، تقویت نهادها و تشکل‌های مردمی، تقویت مطالبه‌گری، ایجاد وحدت فرماندهی بین ارکان حکمرانی شهری و تعریف واحدی از مفهوم توسعه‌ی عدالت محور لازم است. همچنین بازآفرینی شهری، مبتنی بر توسعه پایدار، نیازسنجی شهر در قالب نظرسنجی عمومی از شهروندان و حمایت از آزادی و دارایی شهروندان و تقویت دیپلماسی احساس می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان داد، عوامل مداخله‌گر موثر بر مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی، توسعه پایدار شهری، شفافیت، آموزش شهروندی، مطالبه‌گری، رفتارسیاسی مدیران شهری، شرایط اقتصادی، اعتماد و اعتبار شهرداری‌ها، مدیریت یکپارچه و انسجام شهری، نظام مدیریت عملکرد (نظارت)، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌باشند. نتیجه به دست آمده با مطالعات باقری و کریمی (۱۴۰۰)، افشارنیا و همکاران (۱۴۰۰)، کمان‌رودی و همکاران (۱۴۰۰)، هاشم‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، کارگال‌خو و بوکاس (۲۰۲۰) همخوانی دارد. در تبیین یافته‌های فوق می‌توان ادعا نمود، داشتن مدیریت شهری با رویکرد عدالت محور، و بعنوان پیش‌نیاز توسعه پایدار، تامین نیازهای اساسی شهروندی است. شهر پایدار با ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی مطلوب همچون مسکن مناسب، کاهش فقر، عدالت محور، با فضاهای سالم، امن، آرام، جذاب و زیبا آراسته شده، آرمانی است که با حکمرانی شهری مبتنی بر نظریه حکمرانی خوب، قابل دسترس خواهد بود. حکمرانی مبتنی بر شاخصه‌هایی نظیر شفافیت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری



طهماسبی‌زاده، فرشاد و خادم‌الحسینی، احمد (۱۳۹۷). تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۷ (۲۶)، ۲۸-۱۷.

یغفوری، حسین؛ قاسمی، سجاد؛ قاسمی، نرگس (۱۳۹۶). بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات با تاکید بر مدیریت شهری در محلات منطقه ۱۹ تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۲ (۳)، ۱۲۸-۱۱۴.

نیک‌پور، عامر؛ مهرعلی‌تبار، مرتضی؛ رضازاده، مرتضی؛ الهقلی، فاطمه (۱۳۹۷). توزیع فضایی خدمات بهداشتی- درمانی از منظر عدالت اجتماعی در شهرستان‌های مازندران، فصلنامه جغرافیا، ۸ (۴)، ۱۵۸-۱۴۸.

امانپور، سعید؛ حسینی، نبی‌الله؛ ملک‌سعید (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی در کلان شهر اهواز، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، ۷ (۲۵)، ۶۸-۵۵.

تابعی، نادر؛ موحد، علی، تولایی، سیمین، کمان رودی کجوری، موسی (۱۳۹۶). بررسی نقش عدالت فضایی در مدیریت شهری (محدوده مطالعه: محلات منطق ۵ تهران)، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، ۶ (۲)، ۳۶-۲۳.

الماسی مفیدی، حسین، زندمقدم، محمدرضا، زیویار، پروانه (۱۳۹۸). بررسی وضعیت عدالت توزیعی در دسترسی به خدمات شهری مطالعه موردی: شهر بومهن. فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، ۱۰ (۱)، ۹۴-۷۹.

نصیری هنده خاله، اسماعیل، اسمعیلی، فضل‌اله، یونسی‌سندی، ریحانه، نظافت تکل، حسن (۱۴۰۰). ارزیابی پایداری اجتماعی محلات شهری با تاکید بر شاخص ترکیب کاربری اراضی (مطالعه موردی منطقه ۱۵ شهر تهران)، نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۵ (۷۸)، ۳۷۶-۳۶۳.

کمان رودی کجوری، موسی، پریرزادی، طاهر، آگاه، فرهاد، مومنی بیدزرد، آزیتا، شفیع، فاطمه (۱۴۰۰). ارزیابی و رتبه‌بندی شکوفایی شهری محلات منطقه ۱۸ شهرداری تهران. مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۲۳ (۵)، ۲۵-۶۶.

رجبی، سجاد، ولی‌زاده، رضا، ستارزاده، داریوش، پناهی، علی، محبوبی، قربان (۱۴۰۰). تحلیل پراکنش فضایی خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت اجتماعی در ساختار فضایی کلان‌شهر تبریز. نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۵ (۷۸)، ۱۷۷-۱۵۹.

رفاه شهری و کیفیت زندگی، به کارگیری راهکارهای ارتقاء سطح مشروعیت مدیریت شهری، ارتقاء دیپلماسی شهری و ترویج فرهنگ گفت‌وگو و نهاد سازی، جذب، باز توزیع و ارتقاء بهره‌وری منابع، توزیع عادلانه ثروت و امکانات شهری، طراحی و بازآفرینی شهری، ایجاد شهر خلاق، کارآفرین، هوشمند و پاسخگو می‌باشد.

نتیجه به دست آمده با مطالعات افشارنیا و همکاران (۱۴۰۰)، کمان‌رودی و همکاران (۱۴۰۰)، احدنژاد و همکاران (۱۳۹۵)، لای و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

نتایج تحقیق نشان داد پیامدهای حاصل از مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی عبارتند از: پیامدهای اجتماعی، پیامدهای اقتصادی و رفاه اجتماعی، پیامدهای شهروندی و پیامدهای رفتاری و معنوی می‌باشند. نتایج به دست آمده با مطالعات اسکندری و همکاران (۱۴۰۰)، فلاحی و رونقی (۱۴۰۰)، رجیبی و همکاران (۱۳۹۹)، تابعی و همکاران (۱۳۹۵)، یغفوری و کاشفی (۱۳۹۵)، وو و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. در تبیین یافته‌های تحقیق می‌توان اظهار داشت که پیامدهای مهم اجتماعی در این مدل، افزایش مشارکت سیاسی، افزایش سرمایه اجتماعی و نهاد سازی، کاهش فاصله طبقاتی، افزایش احساس امنیت، ایجاد شهر سرزنده و خلاق می‌باشند. از سوی دیگر، پیامدهای اقتصادی و رفاه اجتماعی شامل پرداخت بموقع عوارض، کاهش هزینه‌های مدیریت شهری، رونق اقتصاد شهری امنیت سرمایه‌گذاری، رفع محرومیت و اشتغالزایی بوده و تربیت شهروندان عدالت‌جو، احقاق حقوق شهروندی، افزایش نشاط و شادابی شهروندی و افزایش تعلق محله‌ای و کاهش مهاجرت پیامدهای شهروندی خواهند بود و در نهایت پیامدهای رفتاری و معنوی شامل تحقق قانون و نظم عمومی، کاهش تخلفات شهری، خدمت به هم‌نوع و مهربانی، درستکاری، فضیلت و کرامت، صداقت و پاکدستی می‌باشند.

### منابع و مآخذ

اکبری، محمود و رضایی، محمدرضا (۱۳۹۷). ارزیابی تغییرات کاربردی اراضی در منطقه سه کلانشهر اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۹ (۳۴)، ۱۰۴-۹۳.

عزیزی دانالو، سمانه، مجتبی‌زاده خانقاهی، حسین (۱۳۹۹). ارائه مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهر تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۹۰-۷۵ (۳۴).

- of Urban and Regional Analysis, 10 (2), 199-215.
- Mensah, J., & Tucker-Simmons, D. (2021). Social (In)justice and Rental Housing Discrimination in Urban Canada: The Case of Ethno-racial Minorities in the Herongate Community in Ottawa. *Studies in Social Justice*.
- van Santen, E. (2019). Inclusive peace mediation in the city: spatial segregation of violence and urban politics of 'social' inclusion in gang truces. *Third World Thematics: A TWQ Journal*, 4, 201 - 219.
- Gulsrud, N.M., & Steiner, H. (2022). Justice and the Pandemic City: How the Pandemic Has Revealed Social, Urban, and Data Injustices, and How a Narrative Approach Can Unlock Them. *Frontiers in Sustainable Cities*.
- Bielska, A., Wendland, A., & Delnicki, M. (2020). Possibilities for the Development of Building Plots with an Unfavorable Structure in the Context of Spatial Justice: A Case Study of Poland. *Sustainability*.
- Sünter, E., Yörük, T., Şekerci, R., & Karatas, S. (2020). Reflection of Education Administrators' Ethical Values on Organizational Culture: Case of Plato and Kant. *World Journal of Education*, 10, 89.
- Taylor, R.S. (2021). Reading Rawls Rightly: A Theory of Justice at 50. *Polity*, 53, 564 - 571.
- Titahelu, J.A., Irwansyah, I., Awaludin, H., & Ashri, M. (2015). Strengthening Pela-Gandong Alliance Based on John Rawls' Theory of Justice. *Hasanuddin Law Review*, 1, 417-429.
- Seabright, P., Stieglitz, J., & Van der Straeten, K. (2021). Evaluating social contract theory in the light of evolutionary social science. *Evolutionary Human Sciences*, 3.
- افشارنیا، اعظم، زبردست، اسفندیار، طلاچیان، مرتضی. (۱۴۰۰). تبیین مفهوم عدالت فضایی در اجرای طرح‌های جامع شهری (نمونۀ موردی: شهر گلپایگان). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۹ (۴)، ۹۸۱-۱۰۰۸.
- باقری میاب، شهلا، کریمی کیا، محمد صادق. (۱۴۰۰). مدل‌یابی خط مشی گذاری فرهنگی پدیده حاشیه نشینی در اهواز. *توسعه محلی (روستائی-شهری)*، ۱۳ (۲)، ۵۸۴-۵۶۱.
- اسکندری، هانیه، داداش کریمی، یحیی، حاجتی، عبدالله. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل موثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی: یک پژوهش کیفی. *انجمن جامعه شناسی آموزش و پرورش*، ۱۴ (۲)، ۲۹۹-۳۰۸.
- قلعه نوئی، محمود، شمس، مجید، ملک حسینی، عباس. (۱۴۰۱). بررسی لایه‌های ذهنی عدالت فضایی شهری در شهر جدید پرند. *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱۱ (۴۲)، ۸-۲۲.
- رفیعیان، مجتبی؛ قاسمی، ایرج؛ نوذری، کمال. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان عدالت فضایی در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)، فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهر، ۶ (۱)، ۸۹-۷۱.
- وارثی، حمیدرضا، قادر رحمتی، صفر، باستانی فر، ایمان. (۱۳۹۶). بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان، *مجله جغرافیا و توسعه*، ۵ (۹)، ۹۱-۱۰۶.
- امانپور، سعید، حسینی شه پریان، نبی اله، ملکی، سعید. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی سطوح برخورداری مناطق کلان شهر اهواز از خدمات شهری با تاکید بر عدالت اجتماعی، *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۴ (۳)، ۴۹۵-۵۱۷.
- Carvalho, L.M.d.; Bógus, C.M. (2020). Gender and Social Justice in Urban Agriculture: A Network of Agricultural and Environmental Women Farmers in Paulo, complexity and the politics of measuring cities. *Cities*, 63, 92-97.
- Lai, L. W., Chau, K., & Cheung, P. A. C. (2018). Urban renewal and redevelopment: Social justice and property rights with reference to Hong Kong's constitutional capitalism. *Cities*, 74, 240-248.
- Wu, A. M. (2018), breaking down the fence for social justice? Evidence based on inequality of access to urban green space in Beijing's central metropolitan area, *Journal*